

چیستی عزاداری برای امام حسین علیه السلام

روح الله زینالی^۱

علی فرزین^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۵

چکیده

پژوهش و تأمل در چیستی عزاداری بر سرور و سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام، از جمله مسائل مهم برای هر انسان آزاده‌ای است که در پی علل و عوامل قیام حضرت سیدالشهدا علیه السلام است. این نوشتار، با رویکرد دانستن چیستی عزاداری به سیره «علمی» و «عملی» معصومین علیهم السلام می‌پردازد؛ بدین معنا که به صورت خلاصه و علمی به واژه‌شناسی کلمات «مأتم»، «الْمَنَاحَه»، «عَزَا»، «الْجَزَع» و «عَوِيل» می‌پردازد و سپس با اشاره به «سیره عملی» اهل بیت علیهم السلام و وظیفه پیروان آن حضرت را بیان می‌کند. در پژوهش حاضر مشخص می‌شود عزاداری کاملاً وجه علمی، دینی، مذهبی و عقلانی داشته و موجب حفظ دین و ولایت الهی است. از نظر تاریخی نیز چهره‌ای درخشان به خود گرفته و صفحات سفید و نورانی تاریخ، از عشق و علاقه و محبت درونی

۱. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم.

۲. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم.

مؤمنان و آزادمردان جهان نسبت به عزاداری امام حسین علیه السلام
سرشار است.
کلیدواژگان: معصومین علیهم السلام، سیره، سوگواری، عزاداری، گریه
شیعه، امام حسین علیه السلام.

مقدمه

واقعه «عاشورا» از بی بدیل ترین و شاخص ترین جریاناتی به شمار می رود که تاریخ توانسته است با سربلندی و سرافرازی در صفحات خویش بنگارد. «جامع» و «کامل» بودن این واقعه از لحاظ ولایت مداری، دین مداری، توجه به احکام دین، اخلاقی، عاطفی، سیاسی، اعتقادی، جوانب اجتماعی، فنون جنگی، عبرت انگیز بودن، درس آموزی، ظلم ستیزی، انسان سازی و... همگان را به حیرت وا داشته است.

«علت» پایداری و ابدی بودن این حرکت عظیم انسانی قطعاً منوط به درجه «اخلاص» وجود مقدس امام حسین علیه السلام و اهداف ابدی و متعالی آن حضرت در جهت رساندن انسان ها به «هدایت» و مراحل والای سیر و سلوک «انسانی» و «الهی» است.

«مظلومیت» حضرت علیه السلام و اصحاب و یارانش «امتیازی» اصیل و بی نظیر است تا با گوهری همچون اشک به هم آمیخته و صاحبش را به «کشتی» نجات رسانده و در زیر سایه «نور» هدایت امام حسین علیه السلام به بهشت برین رهنمون شود.

آری! چنین است که هزاران عاشق دل به دریای عظمت امام حسین علیه السلام سپرده و کربلا و مجالس عزای امام حسین علیه السلام را چون نگینی در آغوش می گیرند و هر کس به اندازه معرفتش از این خرمن بهره برمی دارد.

گسترش روزافزون عزاداران و مشتاقان حضرتش از «شیعه» و «سنی» گرفته تا «مسیحی» و... باعث نگرانی دشمنان اهل بیت علیهم السلام گشته است و آنان نیز با تمام گستاخی به مصاف نورآمده و سعی در خاموش نمودنش می کنند که تا ابد بی نتیجه خواهد ماند و بلکه خودشان در ظلمت و جهالت غرق خواهند شد.

این نوشتار در پی آن است که با مدارک «متقن» و «قوی» و با تکیه بر «آیات» الهی و



«سیره» و «روش» پیامبرگرمی اسلام ﷺ و دیگر معصومین علیهم السلام حق را به حق جویان بنمایاند.

بیان مسئله و ضرورت تحقیق

از دیرباز تا کنون، همواره مخالفانی بودند که عزاداری امام حسین علیه السلام را انکار کرده و یا در درباره آن شبهه و تردید روا داشته اند. اینان گاهی کوشیده اند مشروعیت عزاداری برای امام حسین علیه السلام را نفی کنند و گاهی نیز کارکردهای آن را زیر سؤال برده اند. عزاداری برای امام حسین علیه السلام در عصر کنونی، با شبهاتی از این دست مواجه است:

- چرا باید برای حادثه ای که قرن ها از وقوع آن گذشته است، عزاداری و گریه کنیم؟
- علت سیاه پوش کردن کوچه و بازار و محافل و بر سر و سینه زدن چیست؟
- یاد حادثه عاشورا را با شیوه های نو، همانند برگزاری همایش و کنفرانس مطبوعاتی و... هم می توان گرمی داشت؟

- اگر امام حسین علیه السلام با حرکت خود در روز عاشورا پیروز واقعی میدان بود، چرا شیعیان و محبّان آن حضرت به جای جشن و سرور، گریه و عزاداری می کنند؟

و هابیون غرق شده در جهالت و تعصب، با عقاید باطل شان در پی این هستند که افکار مردم را منحرف کنند. آنان از این نکته مهم غافلند که شیعه بر اساس منابع غنی خود، برای همه این ها جواب دارد. توجه به این نکته مهم، ضرورت تحقیق در مورد عزاداری و چون و چرای آن را می رساند تا حق روشن و سیاهی افکار و هابیون و دشمنان اهل بیت علیهم السلام معلوم شود.

واژه شناسی و معنادانی کلمه «ماتم»

«الْمَاتَمُ»؛ در لغت به معنای جمع شدن مردان و زنان، به جهت شادی و غم را گویند، ولی به مرور زمان به جمع شدن زنان برای عزا اختصاص یافته است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲:۴)

«ماتم»: عزاداری، سوگواری. (عمید، ۱۳۷۷: ۱۰۶۸)

در زمان کنونی، ماتم تنها برای عزاداری گروه بانوان به کار نمی‌رود، بلکه شامل اجتماع مردان برای عزاداری نیز می‌شود. از این نظر در برخی مناطق، به جایگاه‌های عزاداری و روضه‌خوانی، «ماتم سرا» گفته می‌شود. (کریمی نیا، ۱۳۹۵: ۵۲)

واژه‌شناسی و معنادانی کلمه «المناحه»

«المناحه» به معنای عزاداری؛ «التَّوْح»، «التَّوَائِح»: اجتماع زنان برای عزاداری را گویند. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۸۲۸)

«نوحه»: بیان مصیبت، گریه کردن با آواز، آواز ماتم، شیون و زاری، مویه‌گری، زاری بر مرده، شعری که در ماتم و سوگواری با صوت حزین و ناله و زاری خوانند، اعم از سوگواری برای کسی که تازه مرده، یا برای امامان شیعه علیهم‌السلام.

ترکیبات دیگر آن عبارت است از نوحه آراستن، نوحه ساختن، نوحه سرودن، نوحه خوانی. نوحه‌گری بر مرده، رسم جاهلیت بوده و کاری مکروه است، مگر برای معصومین علیهم‌السلام که نوحه و گریه بر آنان از شعائر مهم و از عوامل نشر فضیلت‌ها و احیای یاد اسوه‌های کمال است و خود امامان علیهم‌السلام بر سید الشهداء علیهم‌السلام می‌گریستند و امر به نوحه خوانی می‌کردند.

بر جعفر طیار و حمزه سید الشهداء علیهم‌السلام نیز نوحه خوانی شد. آنچه از کراهت نوحه و ناپسند بودن شغل نوحه‌گری و زشت بودن اجرت نوحه‌گرد در روایات یاد شده، ناظر به نوحه‌گری‌های جاهلی است که آمیخته به باطل و گاهی حرام بود.

در فرهنگ عزاداری برای امام حسین علیهم‌السلام نوحه به نوعی خاص از شعر مرثیه می‌گویند که در مجالس به صورت جمعی اجرا می‌شود.

اشعار نوحه را برای سینه زدن می‌ساختند؛ یکی نوحه می‌خواند و دیگران به نوا و آهنگ و وزن اشعار نوحه خوان سینه می‌زدند؛ ولی اشعار مرثیه را با آهنگ در مجالس سوگواری برای به گریه افکندن و اظهار تأسف شنوندگان بر قتل شهدای کربلا می‌خواندند و عنوان روضه نداشت. (محدثی، ۱۴۱۷: ۴۵۳)

امام صادق علیهم‌السلام می‌فرماید:

قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ قُفِّ مِنْ مَالِي كَذَا وَكَذَا لِلنَّوَادِبِ يَنْدُبُنِي عَشْرَ سِنِينَ مِنْ أَيَّامِ مِنِّي؛
(شهید ثانی، بی تا: ۱۱۳)

پدرم امام باقر علیه السلام به من فرمود: از مال من فلان مقدار بردار و همه ساله تا ده سال برای من در سرزمین منی، در موسم حجّ مجلس گریه و نوحه سرایی تشکیل بده تا بر مظلومیت من نوحه سرایی کنند.

واژه‌شناسی و معنادانی کلمه «عزا»

«عزا» در لغت به معنای صبر و شکیبایی کردن بر هر چیزی که انسان از دست می‌دهد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۵: ۵۲). نیز به معنای «خوب صبر کردن»، «صبر کردن در مصیبت» و «سوگ و مصیبت» است (عمید، ۱۳۷۷: ۹۱۰). در عربی، «عَزَيْتُ فُلَانًا»؛ یعنی او را دلداری و تسلی دادم (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۵: ۵۳) و «أَحْسَنَ اللَّهُ عَزَاكَ»؛ یعنی خداوند تورا صبر نیک دهد (فیومی، ۱۴۱۴: ۲: ۴۰۸).

براین اساس «عزاداری» مراسمی است که برای آرامش بخشیدن به فرد یا افراد داغ‌دیده برگزار می‌شود. برای این منظور، روش‌های متعددی کاربرد دارد؛ مانند هم‌دردی کردن زبانی با فرد داغ‌دیده، گریه کردن همراه با فرد داغ‌دیده، شنیدن غم و غصه‌های فرد داغ‌دیده، یادآوری داغ‌های دیگران به ویژه داغ‌های بزرگان دینی و تاریخی و... در جوامع مختلف، عزاداری معمولاً در قالب مراسم جمعی، در چند مرحله زمانی (سوم، هفتم، چهلم و...) و با آدابی مخصوص برگزار می‌شود و روی هم رفته، تأثیر بسیار شگرفی در آرامش بخشیدن به افراد داغ‌دیده دارد. (پیشوایی، ۱۳۹۵: ۱۳۱/۲)

اقامه عزا در سیره عملی اهل بیت علیهم السلام، سابقه‌ای درخشان و طولانی دارد، به گونه‌ای که اهل بیت علیهم السلام در هر فرصتی و مجالی که ممکن بود اعلان عزا کرده و به روش‌های مختلف مردم را به عزاداری برسرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام دعوت می‌کردند.

علّت آن این بود که دستگاه خلافت اموی همواره می‌کوشید قیام امام حسین علیه السلام را قیامی برضدّ خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جلوه دهد که سرکوب آن، حق و وظیفه دستگاه خلافت بوده است. از این رو بعد از بازگشت اهل بیت علیهم السلام به مدینه، امویان همه توان خود

را برای به فراموشی سپردن این حماسه به کار گرفتند.

در مقابل اهل بیت علیهم السلام که به این نقشه شوم دشمن پی برده بودند، عزم خود را جزم کردند تا با تمام توان، قیام خونین حسینی را زنده نگاه دارند. یکی از راه‌های رسیدن به این هدف، برپایی مجالس سوگواری، عزاداری علنی و گریه بر شهدای کربلا بود که نوعی مبارزه منفی با حکومت یزید محسوب می‌شد. سوگواری و گریه در حقیقت نمودی خارجی از بیزاری درونی شیعیان از دشمنان امام حسین علیه السلام بود (پیشوایی، ۱۳۹۵: ۲/ ۱۷۰) که بیش از همه بازماندگان بنی هاشم، امام سجاد علیه السلام، به این امر اهتمام داشت. با توجه به سیره عملی اهل بیت علیهم السلام، شکل عزاداری‌ها را یاد آوری می‌کنیم:

۱. سر سفره غذا

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

امام سجاد علیه السلام بیست سال بر مصیبت پدرش گریست و هرگاه غذا جلوی او می‌گذاشتند گریه می‌کرد. روزی یکی از غلامان به ایشان گفت: «فدایت شوم ای فرزند رسول خدا! می‌ترسم از کثرت حزن و اندوه خود را هلاک کنی.» فرمود: «از درد و اندوه خویش به خدا شکوه می‌کنم و چیزی از خدا می‌دانم که شما نمی‌دانید (یوسف: ۸۶). هرگاه کشته شدن فرزندان فاطمه علیها السلام را به یاد می‌آورم، بی‌اختیار بغض گلویم را می‌گیرد و اشکم جاری می‌شود.» (ابن بابویه، ۳۸۲: ۱/ ۲۷۳)

۲. هنگام دیدن و نوشیدن آب

امام سجاد علیه السلام هرگاه ظرف آبی را برای نوشیدن برمی‌داشت، چنان می‌گریست که اشک از دیدگانش با آب ظرف می‌آمیخت و وقتی از علت آن می‌پرسیدند، می‌فرمود: چگونه گریه نکنم، در حالی که پدرم از آبی منع شد که [نوشیدن آن] برای دزدگان و حیوانات آزاد بود؟ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/ ۱۶۶)

همچنین در روایتی دیگر، داوود رقی از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند:

در محضر امام صادق علیه السلام بودم. حضرت آب طلبد و زمانی که آب را نوشید دیدم در حضرت حالت گریه پیدا شد و دو چشم آن حضرت غرق اشک گردید. سپس به من فرمود: «ای داوود! خدا قاتل حسین علیه السلام را لعنت کند؛ من هرگز آب ننوشیدم جز این که به یاد امام حسین علیه السلام افتادم و بنده ای نیست که آب نوشیده و حسین علیه السلام را یاد کرده و کشنده اش را لعنت کند، مگر آن که خداوند مئان صد هزار حسنه برای او می نویسد و صد هزار گناه از او محو کرده و صد هزار درجه، مقامش را بالا برده و گویا صد هزار بنده آزاد کرده و روز قیامت حق تعالی او را با قلبی آرام و مطمئن محشورش می کند.» (شعیری، بی تا: ۱۷۷)

از مصباح کفعمی چنین نقل شده است:

قَالَتْ سَكِينَةُ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ اعْتَنَقَتْهُ فَأَعْمَى عَلَى فَسَمِعَتْهُ يَقُولُ:

شیعیتی این ما شریتم ری عذب فاذکرونی أو سمعتم بغریب أو شهید فاندوبنی؛
 هنگامی که جناب سکینه در مقتل پدر بزرگوار خود آمد جسد آن حضرت را در
 آغوش گرفت و از کثرت گریستن مدهوش شد و این شعر را از پدر بزرگوار خود در
 عالم ابتدا بشنید: شیعیان من! هرگاه آب گوارا نوشیدید، مرا یاد کنید، هرگاه
 غریب یا شهیدی را شنیدید، برای من گریه کنید. (کفعمی، ۱۴۰۵: ۷۴۱)

از این حدیث درمی یابیم که امام حسین علیه السلام هم برزنده نگه داشتن عاشورا تأکید داشت؛ چون هدف آن حضرت علیه السلام از قیام تداوم و بقای دین مبین اسلام بود که در صورت بقای یاد حضرت، پیام های عاشورا به جامعه انتقال می یابد و نتیجه آن حفظ دین خواهد بود.

۳. عزاداری به واسطه سرودن شعر

امامان معصوم شیعیان علیهم السلام و شاعران را برای شعر مرثیه ای در عزای امام حسین علیه السلام تشویق می کردند تا به واسطه این هنر ادبی و ذوق درونی و عواطف و احساسات عمیق شعری، محبت و عاطفه ها را به جوشش آورده و جذب مقام ولایت الهی نمایند.

أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ لِي أَنَسِدُنِي فَأَنْسِدُهُ فَقَالَ لَا

كَمَا تُنْشِدُونَ وَكَمَا تُرْتِيهِ عِنْدَ قَبْرِهٖ فَأَنْشَدْتُهُ:

أمررت على جدت الحسين فقل لاعظمه الزكية (قمی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۷۸۷)
 قَالَ فَلَمَّا بَكَى أَمْسَكَتُ أَنَا فَقَالَ مَرَّرْتُ قَالَ ثُمَّ قَالَ زِدْنِي زِدْنِي قَالَ فَأَنْشَدْتُهُ:

يا مریم قومی واندبی مولاک وعلی الحسین علیه السلام فاسعدی بیباک
 قَالَ فَبَكَى وَتَهَابَ النَّسَاءُ قَالَ فَلَمَّا أَنْ سَكُنَّ قَالَ لِي يَا بَاهَاؤُونَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ
 فَأَبْكَى عَشْرَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ ثُمَّ جَعَلَ يَنْتَقِصُ وَاحِدًا وَاحِدًا حَتَّى بَلَغَ الْوَاحِدَ فَقَالَ مَنْ أَنْشَدَ
 فِي الْحُسَيْنِ فَأَبْكَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ ثُمَّ قَالَ مَنْ ذَكَرَهُ فَبَكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ: (همو)

ابوهارون مکفوف می گوید: امام جعفر علیه السلام به من گفت: «برای من شعری درباره حسین علیه السلام بخوان.» من شعری برایش خواندم و او به من گفت: «آن چنان که برای خود می خوانید برایم بخوان.» منظورش با رقت و سوز بود. و من چنین خواندم: «گذرت که بر جسد حسین علیه السلام افتاد، به استخوان های پاکش بگو: ای استخوان های پاک، همیشه از باران ابرهای متراکم و پربار، بهره ور سیراب باشی.» ابوهارون گوید: امام صادق علیه السلام گریست و سپس گفت: «بیشتر بخوان!» قصیده دیگری برایش خواندم و او باز گریه کرد و من از پشت پرده نیز صدای گریه شنیدم. وقتی که آرام شدم، حضرت گفت: «ای اباهارون! هر کس در ثنای حسین علیه السلام شعری بخواند، بگیرد و ده کس را بگیراند، بهشت برای آنان حتمی گردد. و هر که در ثنای حسین علیه السلام شعری بخواند، بگیرد و پنج کس را بگیراند، باز بهشت برای آنان نوشته شود و هر کس در ثنای حسین علیه السلام شعری بخواند، بگیرد و یکی را بگیراند، باز هم بهشت بر آن دوزور گردد. هر که در نزد او از حسین علیه السلام یاد شود و از چشمان او به مقدار پر مگسی اشک بیرون آید، پاداش نیکی با خدا باشد و خدا برای او به کمتر از بهشت راضی نباشد.»

۴. اقامه عزا در منزل

در عصر امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به دلیل فرصت مناسبی که پیش آمده بود، مجالس عزا در بیت شریف و در حضور آن دو امام بزرگوار برگزار می شد و شاعران و مداحان، اشعاری را در ثنای امام حسین علیه السلام می خواندند. (پیشوایی، ۱۳۹۵: ۲/۳۵۴)
 امامان معصوم به شیعیان توصیه می کردند که در منازلشان مجلس عزای امام

حسین علیه السلام را برپا کنند. مالک جُهَنی از امام باقر علیه السلام درباره وظیفه شیعیانی که در روز عاشورا نمی‌توانند به کربلا بروند و مرقد مبارک امام حسین علیه السلام را از نزدیک زیارت کرده، در آنجا برای حضرت عزاداری نمایند، پرسید. امام باقر علیه السلام فرمود:

وَيَأْمُرُ مَنْ فِي دَارِهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَيَقِيمُ فِي دَارِهِ مُصِيبَتَهُ بِإِظْهَارِ الْجَنَاحِ عَلَيْهِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۱/۹۸)

[چنین شخصی] باید بر آن حضرت علیه السلام بگریزد و به خانواده‌اش نیز دستور دهد بر آن حضرت گریه کنند و در خانه‌اش با شیون و ناله، برنامه ذکر مصیبت برای آن جناب برپا کند.

در عصر امام صادق علیه السلام عزاداری امام حسین علیه السلام بیش از هر زمانی رونق گرفت (پیشوایی، ۱۳۹۵: ۲/۳۵۵). آن حضرت به مردم می‌فرمود:

امام حسین علیه السلام به عزادار خود می‌نگرد و برای او و پدرش طلب مغفرت می‌کند و خطاب به او می‌گوید: «ای کسی که [برای من] گریه می‌کنی، اگر اجر و پاداشی که خدا به تو می‌دهد آگاه شوی، شادی‌ات بیش از اندوهت می‌شود.» (حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۱/۶۶)

خانه امام صادق علیه السلام پیوسته شاهد رفت و آمد شاعران بزرگی بود که در عزای امام حسین علیه السلام مرثیه‌سرایی می‌کردند (پیشوایی، ۱۳۹۵: ۲/۳۵۶). ابوالفرج اصفهانی از قول اسماعیل تمیمی نقل می‌کند:

خدمت امام صادق علیه السلام بودم که سید حمیری اجازه ورود خواست و وارد شد. امام علیه السلام به زنان اهل بیت فرمود پشت پرده بنشینند. آن‌گاه از سید حمیری خواست که در رثای امام حسین علیه السلام شعری بخواند. سید این اشعار را خواند:

أمرر على جدث الحسين	وقل لأعظمه الزكيه
يا أعظمها لزلت من	وظفء ساكبه رويه
وإذا مررت بقبره	فأطل به وقف المطيه
وابك المطهر للمطهر	والمطهره التقيه
كبكاء معلوله أتت	يومالوا حدها المنيه

(ابن نماحلی، ۱۴۰۶: ۸۳)



برقبر حسین علیه السلام بگذر و به استخوان های پاکش بگو.
ای استخوان ها! پیوسته از ابر پر باری سیراب باشید.
وقتی که برقبرش می گذری، در آنجا درنگ کن.
و بر آن پاک، فرزند آن مرد وزن پاک و پاکیزه، گریه کن.
همچون مادری که تنها فرزندش مرده باش.
امام صادق علیه السلام گریست و صدای ناله از خانه آن حضرت بلند شد تا حدی که به
او گفت: «دیگر بس است.» او نیز شعرش را متوقف کرد.

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام در گفت و گو با مسمع بن عبدالمملک کُردین بصری
که گفته بود از بیم جاسوسان بنی امیه نمی تواند در کربلا حاضر شود، اما در خانه اش برای
امام حسین علیه السلام غمگین و محزون به سوگ می نشیند، او را تشویق کرد و فرمود:

...رحمت خدا بر اشک چشم تو! آگاه باش تو از کسانی هستی که در شادی ما
شاد، در حزن ما محزون، در هنگام ترس ما بیم ناک، و در زمان ایمنی ما ایمن
هستند.... (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴ / ۲۹۰)

امام رضا علیه السلام در تمام دهه محرم محزون و غمگین بود و خود مجلس عزاداری و
مرثیه سرایی بر پا می کرد. در این مجالس اگر شاعریا مرثیه سرایی حضور داشت، امام علیه السلام به
اومی فرمود اشعاری در رثای امام حسین علیه السلام بسراید و اگر کسی نبود، خودش مصائب
جدش را ذکر می کرد و مردم را می گریاند (پیشوایی، ۱۳۹۵: ۲ / ۲۹۵)؛ چنان که دَعْبِل
خُرَائِی می گوید:

خدمت سرورم امام رضا علیه السلام رسیدم. دیدم آن حضرت همراه اصحابش محزون و
اندوهگین نشسته است. وقتی دید من به سوی ایشان می روم، فرمود: «ای دَعْبِل!
می خواهم شعری بگویم.» آن گاه دستور داد پرده ای میان ما و اهل حرم زدند و به
زنان فرمود که در پس پرده بنشینند و در مصیبت جدّ خود بگریند. در این هنگام
به من فرمود: «ای دَعْبِل! بر حسین علیه السلام مرثیه بخوان. تا زمانی که زنده ای، یا ورو
مدح کننده مایی. پس تا جایی که می توانی از یاری ما کوتاهی نکن.» من گریستم
و اشعار زیر را خواندم:

أ فاطم لوخلت الحسین مجدلا وقد مات عطشانا بشط فرات
(شبر، جواد، ۱۴۰۹: ۱/۲۹۷)
ای فاطمه علیها السلام اگر می دیدی حسین علیه السلام چگونه بر روی زمین افتاده و در کنار رود
فرات تشنه جان داده است.

۵. رسانه‌ای کردن عزای امام حسین

اهل بیت علیهم السلام از هر فرصتی استفاده کرده و عزای حضرت را علنی می‌کردند. چون امام
حسین علیه السلام، جان خویش را فدا کرد تا بشریت را از ضلالت و گمراهی نجات دهد و این امر
محقق نمی‌شود مگر با زنده نگه داشتن عزای حضرت. و این امر به نتیجه نمی‌رسد جز با
رسانه‌ای کردن عزای حضرت علیه السلام. طوری که همگان را به خود جلب و جذب کرده و به پای
روضه بکشاند. آن‌گاه هنر روضه همراه با اشک و ناله و جوشش عواطف پیام‌های عاشورا را
به دل عزادار نفوذ می‌دهد. و او را جهت هم‌سو بودن با اهداف حسینی هم‌گام نموده و به
حرکت در مسیر حسینی بودن وا می‌دارد.

یکی از اقدامات خاندان امام حسین علیه السلام برای معرفی سیمای زشت امویان و بیدار
کردن وجدان خفته کوفیان و تحریک احساسات آنان، ایراد خطبه‌هایی کوبنده و
روشن‌گرانه بود. این سخنان، چنان تأثیری در کوفیان گذاشت که آنان در همان اجتماع، با
اظهار پشیمانی از رفتار زشتشان، برای امام حسین علیه السلام و مظلومیت اهل بیت او گریه و
عزاداری کردند. (پیشوایی، ۱۳۹۵: ۲: ۴۱)

خطبه‌های حضرت امام سجاد علیه السلام (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۳۰۵) و حضرت زینب علیها السلام
(ابن طیفور، بی تا: ۳۹)، ام کلثوم علیها السلام (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۱۱۲) و حضرت فاطمه
صغری علیها السلام (سید ابن طاووس، بی تا: ۱۴۵) در شهر کوفه و همچنین خطبه امام سجاد علیه السلام
(مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۱۳۵) و حضرت زینب علیها السلام (همو: ۱۳۹) در مجلس یزید نشان‌گر
این امر مهم است.

از آن جا که بیشتر کوفیان امام علیه السلام را می‌شناختند، نیازی به معرفی کردن اهل بیت علیهم السلام
نبود و بدین جهت امام سجاد علیه السلام هنگام معرفی خود به این جمله اکتفا کرد:

فَأَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۳۰۵)

من علی فرزند حسین علیه السلام فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام هستم.

اما شامیان، اهل بیت علیهم السلام را نمی شناختند؛ آنان نه می دانستند حسین علیه السلام کیست و نه از جایگاه والای امیرالمؤمنین علیه السلام آگاهی داشتند. از این رو اهل بیت علیهم السلام در خطبه های خود بیشتر به بیان انتسابشان با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، فضایل امیر مؤمنان علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام، بیان افتخارات خاندان خویش در خدمت اسلام و آن گاه گوشزد کردن خیانت ها و گذشته بد یزید و اجدادش می پرداختند. به این دلیل است که می بینیم بیش از نیمی از خطبه امام سجاد علیه السلام در شام، بیان فضایل امیر مؤمنان علیه السلام است.

پس از شنیدن این سخنان بود که شامیان فهمیدند این اسیران، خویشاوندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، اهل قبله و متعهد به اسلام و برترین مسلمانند و کشتن آن ها هیچ دلیل موجهی نداشته است. در حقیقت امام سجاد علیه السلام با سخنان خود، پرده های تزویر و فریب بنی امیه را که سال ها برای استحکام حکومت خود در شام کشیده بودند، کنار زد و تبلیغات آنان را نقش بر آب کرد و رهبران واقعی را به مردم شناساند.

در مدینه نیز مانند کوفه، مردم به اندازه کافی با اهل بیت علیهم السلام آشنا و به فضایل آنان آگاه بودند. از این رو امام علیه السلام در خطبه مدینه، نیازی به معرفی خویش، خاندان و بیان فضایل نداشت و مستقیم به سراغ بیان عمق فاجعه رفت. فاجعه ای که باید در سینه ها ثبت می شد تا غم و اندوه آن فراموش نشود. امام علیه السلام با بیان زیبا و مؤثر خود، اهل مدینه را به برپایی عزای ماتم فراخواند. (پیشوایی، ۱۳۹۵: ۲/۱۶۲)

مرحله بعد نوبت زنان اهل بیت بود که زینب واربه اقامه عزای پیرا زدند. تا عمق فاجعه ریشه در دل های مردم دوانده تا به این وسیله امام حسین علیه السلام و عاشورا و مصیبت های آن فراموش نشود و پیام های عاشورا سینه به سینه نقل شود.

پس از واقع جانسوز کربلا بانوان بنی هاشم نیز برای زنده نگاه داشتن یاد شهدای کربلا، پیوسته در ماتم و عزای بودند. از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که بعد از واقعه کربلا، همسر امام حسین علیه السلام برای آن حضرت ماتم به پا کرد و گریست و زنان و خادمان نیز آن قدر گریه



کردند که اشک هایشان تمام شد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۰/۴۵). او پس از واقعه کربلا هرگز زیرسقفی ننشست و بعد از یک سال، از شدت حزن و اندوه درگذشت. (جواد شبر، ۱۴۰۹: ۱/۶۳)

امّ البنین علیها السلام نیز در بقیع حاضر می شد و چنان با سوز و گداز بر پسرانش نوحه سرایی می کرد که مردم اطراف او جمع می شدند و گریه می کردند تا جایی که مروان بن حکم نیز که از دشمنان سرسخت بنی هاشم بود، با دیدن این صحنه و شنیدن ناله های سوزناک این مادر، اشک ریخت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۰/۴۵)

در نقل دیگر آمده است که امام سجاد علیه السلام برای زنان بنی هاشم غذا فراهم می کرد تا بتوانند به سوگواری پردازند. برقی با سند خود روایت کرده است:

پس از شهادت امام حسین علیه السلام، زنان بنی هاشم لباس های سیاه و پشمینه پوشیدند و از سرما و گرما شکوه نمی کردند و امام سجاد علیه السلام در زمان سوگواری هایشان برای ایشان غذا تهیه می کرد. (همو: ۱۸۸)

در ابتدا این عزاداری در بنی هاشم و فرزندان و خاندان اهل بیت علیهم السلام وجود داشت و به تدریج در میان پیروان اهل بیت علیهم السلام گسترش یافت. امام صادق علیه السلام در مورد مصیبت عاشورا چنین می فرماید:

پس از حادثه عاشورا هیچ بانویی از بانوان بنی هاشم، سرمه نکشید و خضاب ننمود و از خانه هیچ یک از بنی هاشم دودی که نشانه پختن غذا باشد، بلند نشد تا آن که ابن زیاد به هلاکت رسید. ما پس از فاجعه خونین عاشورا پیوسته اشک بر چشم داشته ایم. (امین عاملی، ۱۳۷۶: ۱۰۴/۵)

واژه شناسی و معنادانی کلمه «الجزع»

«جزع»: بی تابی. ناله.

راغب گوید:

جزع از حزن اشد است. جزع حزنی است که شخص را از چاره اندیشی بازدارد، ولی حزن از آن اعم است. (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۳۵/۲)

«الجزع - ناشکیبایی»؛ این واژه ضد «الصبر الصبور» است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۸۱/۲)

«جزع» در مقابل صبر بوده و به معنای بیان حزن و درد و مصیبت است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸/۴۷). جزعی که به معنای بی‌قراری کردن در مصیبت هاست، عملی مکروه است، ولی در مصیبت امام حسین علیه السلام جزع نمودن نه تنها ناپسند نیست، بلکه امری پسندیده محسوب می‌شود. (کریمی نیا، ۱۳۹۵: ۶۵)

امام صادق علیه السلام فرمود:

كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ؛ (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۵/۴۹۹)

هر نوع بی‌تابی و گریه ناپسند (مکروه) است مگر بی‌تابی و گریه کردن بر امام حسین علیه السلام.

یک نوع گریه و بی‌تابی که در روایات به آن اشاره شده است و آن از جزع و بی‌تابی شدیدتر است «هَلَع» نام دارد. هلع در لغت به معنای جزع و بی‌تابی است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۱/۵۴۶). گفته شده است: «الْهَلَعُ أَفْحَشُ الْجَزَعِ؛ هلع از جزع شدیدتر است». (هاشمی خوبی، بی تا: ۱۲/۱۶۳)

برای این نوع عزاداری در سیره معصومین علیهم السلام روایت نقل شده است و قبلاً گفته ایم که «عمل» معصوم برای ما دلیل فقهی و نوعی اجازه است. بر همین مبنا کلام امام سجاد علیه السلام را نقل می‌کنیم که فرمود:

لَمَّا أَصَابَنَا بِالظَّفِّ مَا أَصَابَنَا وَقَتِلَ أَبِي وَقَتِلَ مَنْ كَانَ مَعَهُ مِنْ وُلْدِهِ وَإِخْوَتِهِ وَسَائِرِ أَهْلِهِ وَجُمِلَتْ حَزْمُهُ وَنَسَاؤُهُ عَلَى الْأَقْتَابِ يِرَادُ بِنَا الْكُوفَةَ فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ صَرَغِي وَ لَمْ يُوَارَوْا فَيُعْظَمُ ذَلِكَ فِي صَدْرِي وَيَشْتَدُّ لِمَا أَرَى مِنْهُمْ قَلْبِي فَكَادَتْ نَفْسِي تَخْرُجُ وَ تَبَيَّنَتْ ذَلِكَ مِنِّي عَمَّتِي زَيْنَبُ بِنْتُ عَلِيِّ الْكُبْرَى فَقَالَتْ مَا لِي أَرَاكَ تَجُودُ بِنَفْسِكَ يَا بَقِيَّةَ جَدِّي وَأَبِي وَإِخْوَتِي فَقُلْتُ وَكَيْفَ لَا أَجْزَعُ وَأَهْلَعُ وَقَدْ أَرَى سَيِّدِي وَإِخْوَتِي وَ عُمُومَتِي وَوُلْدَ عَمَّتِي وَأَهْلِي مُصْرَجِينَ بِدِمَائِهِمْ مُرْمَلِينَ بِالْعَرَاءِ مُسَلِّينَ - لَا يَكْفُونُ وَلَا يُوَارُونَ وَلَا يَعْرِجُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ وَلَا يَفْرَهُهُمْ بَشَرًا تَهُمُ أَهْلَ بَيْتِ مِنَ الدَّيْلَمِ وَالْحَزَرِ...؛ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶۱)

هنگامی که در کربلا آن مصیبت بر ما وارد شد و پدرم و تمام فرزندان و برادران و جمیع اهلش که با او بودند کشته شدند و حرم و زنان آن حضرت را بر روی شتران بی جهاز نشانده و ما را به کوفه می بردند، پس به قتلگاه ایشان چشم دوختم و بدن های طاهره را برهنه و عریان دیدم که روی خاک افتاده و دفن نشده اند. این حال بر من گران آمد و در سینه ام اثرش را یافته و هنگامی که از ایشان چنین منظره ای را دیدم، اضطراب و بی آرامی در من شدت یافت به حدی که چیزی نمانده بود که روح از کالبدم خارج شود. این هیئت و حالت را وقتی عمه ام زینب کبری علیها السلام دختر علی بن ابی طالب علیه السلام از من مشاهده نمود، عرض کرد: «این چه حالتی است که از تومی بینم، ای یادگار جد و پدر و برادرم، چرا این گونه جان خود را به خطر می اندازی؟» گفتم: «چگونه جزع و بی تابی (هلع) نکنم در حالی که می بینم سرور و برادران و عموها و پسرعموها و اهل هود را در خون خویش تپیده، عریان و برهنه بوده، جامه هایشان را از بدن بیرون آورده اند، بدون این که کفن شده یا دفن گردیده باشند. احدی بالای سرشان نبوده و بشری نزدیکشان نمی شود گویا ایشان از خاندان دیلم و خزند؟»

در روایت فوق، امام می فرماید: «فَكَادَتْ نَفْسِي تَخْرُجُ؛ چیزی نمانده بود که جان از سینه من خارج شود». این بیان حضرت نشان دهنده اوج مصیبت و غم و اندوه درونی امام سجاد علیه السلام در هنگام مشاهده اجساد بی سرو برهنه شهدا و پدراگرامی اش بود. گریه ایشان، گریه معمولی نبود، بلکه بی تابی به اندازه ای بود که بیم خطر به جانشان می رفت که حضرت زینب علیها السلام فوراً به دلداری آمده اند.

واژه شناسی و معنادانی کلمه «عویل»

«العویل»: گریه و زاری که با صدای بلند و همراه با ضجه باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱)

(۴۸۳)

این واژه و نیز واژه «ویل؛ به معنای مردن و هلاکت» از واژه هایی است که شخص مصیبت دیده هنگام یاد نمودن مرگ عزیزان خود به کار می برد. از آن جایی که این دو واژه از مصادق «جزع» است، به کار بردن آن دارای اشکال است. همان طور که در بحث «جزع»

گفته شد، اگر چه ضجّه، صیحه، شیون و ناله، گریه بلند و بی صبری نمودن در مصیبت عزیزان مکروه است ولی در عزای امام حسین علیه السلام اشکال ندارد. (کریمی نیا، ۱۳۹۵: ۷۴)

نویسنده کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* در ذیل آیه «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أُنِّى مَسْنَى الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^۱ می نویسد:

هَذِهِ الْآيَةُ الْكَرِيمَةُ تُؤَيِّدُ مَعْنَى الْبُكَاءِ وَالْعَوِيلِ وَالنُّدْبَةَ؛ الْمَفْهُومَةُ مِنْ كَلِمَةِ أَيُّوبَ. لِأَنَّ أَيُّوبَ: مِنْ مَادَّةِ أَيُّوبَ، بِمَعْنَى الْبُكَاءِ وَالْعَوِيلِ. وَأَيُّوبَ، بِمَعْنَى نَاحٍ وَنَدَبَ؛ (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱/۲۰۱)

این آیه کریمه معنای گریه همراه با صدای بلند و ضجّه و ندبه را تأیید می کند و ما این معنا را از مفهوم کلمه ایوب می فهمیم به این جهت که کلمه «ایوب» از ماده «أیوب» به معنای گریه همراه با صدای بلند گرفته شده است یا از ماده «ایب» به معنای خواندن همراه با نوحه گری و گریه است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ مَا كَانَ، صَبَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ بِالْبُكَاءِ، وَقَالَتْ: «يَفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ؟» قَالَ: «فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ الْقَائِمِ» وَقَالَ: «بِهَذَا أَنْتَقِمُ هَذَا»؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۵۰۹)

وقتی امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، ملائکه با گریه های بلند به درگاه خداوند، ضجّه کرده و گفتند: «این حسین علیه السلام، برگزیده شما و پسر پیغمبر شماست؟» خداوند سایه حضرت مهدی علیه السلام را به ملائکه نشان داد و فرمود: «با این بزرگوار انتقام حسین علیه السلام را می گیرم.»

وقتی امام حسین علیه السلام خبر شهادت مسلم را در منزل «تعلّیته» شنید چند بار فرمود: «رحمت خدا بر آنان باد.»

و این جا بود که قلب رئوف امام علیه السلام تاب نیاورده همراه کاروانیان به گریه نشست. مشیرالاحزان واقعه را این گونه نقل می کند:

۱. به یاد آور ایوب را هنگامی که پروردگار خود را خواند و عرضه داشت ناراحتی و درد و بیماری و مشکلات و گرفتاری به من روی آورده است و تو ارحم الراحمین هستی. (انبیاء: ۸۳)

وَلَمَّا وَرَدَ خَبْرُ مُسْلِمٍ وَهَانِيِ ارْتَجَّ الْمُؤْضِعُ بِالنُّوحِ وَالْعَوِيلِ وَسَالَتِ الْعُرُوبُ بِالذَّمْعِ
الْهُمُولِ. (ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ۷۵)

کاروان عشق و ایمان در راه شهادت گاه بود که خبر جان سوز دیگری دریافت کرد و این بار خبر شهادت نماینده و سفیر حسین علیه السلام در کوفه و میزبان غیرت مند و فداکار او، کاروانیان ستم ستیز و آزادی خواه را تکان داد و طوفانی از شیون و فریاد در آن پهن دشت خشک و سوزان به راه انداخت و سیلاب اشک را از دیدگان روان ساخت. همچنین مثیر *الأحزان* جریان غارت و آتش زدن خیمه ها و گریه و ضجه های زنان بنی هاشم را این گونه می نویسد:

وَخَرَجَ بَنَاتُ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَقُرَّةُ عَيْنِ الزَّهْرَاءِ حَاسِرَاتٌ مُبْدِيَاتٌ لِلتِّيَاحَةِ وَالْعَوِيلِ
يَبْدُونَ عَلَى الشَّبَابِ وَالْكُهُولِ وَأَضْرَمَتِ النَّارُ فِي الْفُسْطَاطِ فَخَرَجْنَ هَارِيَاتٍ؛ (همو)
تاراج گران اموی به سوی حرم اهل بیت علیهم السلام یورش بردند و به غارت خیمه ها پرداختند. دختران سالار پیامبران و نور دیدگان فاطمه علیها السلام با سرو پای برهنه از خیمه ها بیرون ریختند و درسوگ جوانان و سال خوردگان به خون خفته خویش ناله های جان سوز سردادند. غارت گران پس از غارت خیمه ها، آن ها را به آتش کشیدند و زنان و کودکان، بناگزی ترسان و نگران از آن جا سربه بیابان ها نهادند.

و اما ناله شیعه در فراق امام زمانش که جا دارد گریه ها طولانی شود چون تمام مشکلات و گرفتاری های ما از فراق یار است. لذا صبح جمعه در دعای ندبه این چنین نجوا می کنیم:

عَزِيْزٌ عَلَيَّ اَنْ اُجَابَ دُوْنَكَ وَاُنَاغَى عَزِيْزٌ عَلَيَّ اَنْ اُبْكِيْكَ وَيَخْذُلُكَ الْوَرَى عَزِيْزٌ
عَلَيَّ اَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُوْنَهُمْ مَا جَرَى هَلْ مِنْ مُعِيْنٍ فَاُطِيْلَ مَعَهُ الْعَوِيْلَ وَالْبُكَاءَ هَلْ
مِنْ جَزُوْعٍ فَاُسَاعِدَ جَزَعَهُ اِذَا خَلَا هَلْ قَدِيْثٌ عَيْنٌ فَتُسْعِدُهَا عَيْنِي عَلَي الْقَدَى...؛
(مجلسی، ۱۴۲۳: ۳۰۷)

جانم فدایت! تو درخت ریشه دار مجدی که هم طرازی نپذیرد. جانم فدایت! تو نعمت دیرینه ای که او را ماندی نیست. جانم فدایت! توقیرین شرفی که وی را برابری نیست تا چه زمانی نسبت به تو سرگردان باشم ای مولایم! و تا چه زمان و با

کدام بیان، تورا وصف کنم و با چه راز و نیازی؟ بر من سخت است که از سوی غیر تو پاسخ داده شوم و سخن مسرت بخش بشنوم. بر من سخت است که برای تو گریه کنم، ولی مردم تورا واگذارند. بر من سخت است که بر تو بگذرد و نه بر دیگران آنچه گذشت. آیا کمک کننده ای هست که فریاد و گریه را در کنارش طولانی کنم؟ آیا بی تابی هست که او را در بی تابی اش، هنگامی که خلوت کند یاری رسانم؟ آیا چشمی هست که خار فراق در آن جا گرفته، پس چشم من او را بر آن خار خلیدگی مساعدت کند؟

نتیجه

با توجه به مدارک علمی و پژوهشی که در کلمات بزرگان مشاهده می شود، عزاداری بر امام حسین علیه السلام، کاملاً وجه «علمی»، «دینی، مذهبی» و «عقلانی» دارد. و از نظر تاریخی نیز چهره درخشانی به خود گرفته است و صفحات سفید و نورانی تاریخ، از عشق و علاقه و محبت درونی مؤمنین و آزاد مردان جهان نسبت به عزاداری امام حسین علیه السلام پر است. «سیره»، «روش» و «اهتمام» ویژه اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ نشان از ارزش و جایگاه «الهی» آن دارد. که مسیر شیعیان و آزاداندیشان عالم را به وضوح بیان کرده و در مسیر «حق یابی»، «حق جویی» و رسیدن به «مقام یقین» چراغ پر نوری بوده و خواهد بود. در این پژوهش مشخص شد که عزاداری و گریه بر سیدالشهدا علیه السلام از مستحبات تأکید شده و از موجبات حفظ دین و ولایت الهی است.

همچنین در این نوشتار به چیستی عزا بر امام حسین علیه السلام پی بردیم. به این معنا که گریه و عزا بر حضرتش مایه حفظ دین، مقوم و مستحکم کننده عقیده مردم به امامت و ولایت، تقویت کننده روح همبستگی با ولی خدا، ایجاد روح شهادت طلبی و شجاعت و عامل نشروگسترش دین و احکام دین است.

با اندک توجه به روش ائمه علیهم السلام در عزاداری و جایز بودن و مباح بودن جزع و فزع و گریه های طولانی و تشکیل مجالس گروهی و جمعی به جهت عزا، چیستی عزاداری روشن می شود و آن چیزی جز قوام دین و تحکیم رابطه روحی و معنوی با ولایت الهی نیست.



منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲)، *النخصال*، ترجمه: جعفری، اول، قم، نسیم کوثر.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹)، *مناقب آل اَبی طالب* علیه السلام، اول، قم، علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا)، *اللّهوف علی قتلی الطفوف*، ترجمه: فهری، تهران، جهان.
- ابن طیفور، احمد بن اَبی طاهر (بی تا)، *بلاغت النساء*، اول، قم، الشریف الرضی.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶)، *کامل زیارات*، عبدالحسین امینی، نجف، دارالمرتضویه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، جمال الدین میردامادی، چ سوم، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دارصادر.
- ابن نما حلی، جعفر بن محمد (۱۴۰۶ق)، *مشیر الأحزان*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۹۵)، *تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء* علیه السلام، گروهی از تاریخ پژوهان، دهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة* علیهم السلام، آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش های اسلامی، اول، مشهد، آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الإسلامیه.
- حسینی موسوی، محمد بن اَبی طالب (۱۴۱۸ق)، *تسلية المُجالس وزينة المَجالس (مقتل الحسين* علیه السلام)، حسون، کریم فارس، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس علی*، بیروت، دارالفکر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، غلامرضا خسروی، دوم، تهران، مرتضوی.
- شبر، جواد (۱۴۰۹ق)، *ادب الطف أو شعراء الحسين* علیه السلام، اول، بیروت، دارالمرتضی.

- شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، جامع الأخبار، اول، نجف، مطبعه حیدریه
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (بی تا)، مُسکَن الفؤاد عند فقد الأختبة والأولاد، قم، بصیرتی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی.
- عاملی، سید محسن امین (۱۳۷۶)، سیره معصومان علیهم السلام، علی حاجتی کرمانی، دوم، تهران، سروش.
- عمیدی، حسن (۱۳۷۷)، فرهنگ عمید، دهم، تهران، امیرکبیر.
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، اول، قم، منشورات دارالرضی.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۵۹)، منتهی الآمال فی تواریخ النبی والآل، اول، قم، دلیل ما.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵ق)، المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقیة)، قم، دارالرضی (زاهدی).
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی، علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۲۳ق)، زاد المعاد- مفتاح الجنان، علاء الدین اعلمی، اول، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- محدثی، جواد (۱۴۱۷ق)، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله (بی تا)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، ابراهیم میانجی، تهران، مکتبه الإسلامیه.